

جعفر حق پناه

فصلنامه مطالعات راهبردی

مدیر گروه علوم اجتماعی در پژوهشکده مطالعات راهبردی

شماره ۶۵ و پاییز زمستان ۱۳۷۸

پیامدهای امنیتی بازداشت رهبر

کردهای ترکیه در مناطق کردنشین ایران

فهرست

۱۸۶	مقدمه
۱۸۶	الف - مروری بر وضعیت کردهای ترکیه و معرفی پ.ک.ک.
۱۸۷	ب - بروز ناآرامیها در داخل
۱۸۹	ج - علل بروز ناآرامیها
۱۹۶	نتیجه گیری
۱۹۹	یادداشتها

چکیده

امروزه، یکی از ویژگیهای بارز نظام جهانی، کم‌رنگ شدن مرزهای ملی و تأثیرپذیری فراوان امنیت داخلی کشور از تحولات و رخدادهای فراسوی مرزها است. جلوه مشخص این امر را می‌توان در بروز ناآرامیهای مناطق کردنشین کشورمان در اواخر سال ۱۳۷۷ مشاهده کرد که تحت تأثیر عاملی برون‌مرزی یعنی دستگیری و ربودن عبدالله اوجالان، رهبر کردهای ترکیه، رخ داد. نوشتار حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که چرا و چگونه در این مورد خاص، امنیت داخلی کشورمان در مناطق کردنشین بر اثر بروز حادثه‌ای در خارج از مرزها - که ارتباطی هم با ایران نداشت - دستخوش ناآرامی شد. در این مقاله برخی عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به اجمال بررسی گردیده‌اند.

مقدمه

در بیست و هفتم بهمن ۱۳۷۷ خبر دستگیری و ربودن عبدالله اوچالان، رهبر کردهای جدایی طلب ترکیه، و انتقال او به ترکیه، سرعنوان رسانه‌های گروهی جهان گشت و بازتاب وسیعی در محافل سیاسی و خبری دنیا پدید آورد. اما، در کشور ما بازتاب این رویداد، شکل دیگری داشت و ظرف روزهای پایانی بهمن و اوایل اسفند ۱۳۷۷ منجر به بروز ناآرامی‌هایی در برخی شهرهای کردنشین استانهای کردستان و آذربایجان غربی شد. نوشتار حاضر ضمن بررسی روند ناآرامیها، برخی عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار در بروز آن را به تجزیه و تحلیل درمی‌آورد.

الف - مروری بر وضعیت کردهای ترکیه و معرفی پ.ک.ک.

یکی از مهمترین گروههایی که مبارزه با دولت ترکیه را حول محور مارکسیست و قوم‌گرایی کردی سازمان داده و رهبری کرده "حزب کارگران کردستان (P.K. K)" بوده است. این حزب را به اختصار (پ.ک.ک) می‌خوانند که مخفف (پارتیا کریکارین کوردستان) است. نام این حزب پسوند ترکیه ندارد و اگر گاهی آن را به نام کارگران کردستان ترکیه می‌خوانند از روی مسامحه است؛ زیرا این حزب اصولاً مرزهای کنونی ترکیه را به رسمیت نمی‌شناسد و کردستان را کشوری مستقل و ترکیه را اشغالگر می‌داند. گاهی نام این حزب را به حروف لاتین "P.K.K" می‌نویسند، این از آن‌روست که در ترکیه از رسم خط لاتین استفاده می‌شود و کردهای این کشور نیز به تبعیت از ترکها در نوشتن زبان کردی، از این رسم خط بهره می‌گیرند.

پ.ک.ک در میان احزاب کرد منطقه، شاید تنها حزبی است که شعار استقلال کردستان و تشکیل یک کشور مستقل کرد را رسماً در چارچوب تشکیلات خود وارد کرده و به آن معتقد است. (۱) دیگر گروه‌های کرد نیز گرچه تمایل به ایجاد کشوری مستقل دارند اما به دلایل مختلف، مانند پ.ک.ک رسماً چنین ادعایی نمی‌کنند. چندسال پیش زمانی که ارتش ترکیه چریک‌های (پ.ک.ک) را تا آن سوی مرز عراق تعقیب کرده بود، به علت ورود به خاک عراق، اعتراض مسعود بارزانی رهبر دموکرات کردستان عراق (پارتی) را برانگیخت؛ در این حال، سران پ.ک.ک در پاسخ گفته بودند: ما مرزی نمی‌بینیم این جا (شمال عراق) جنوب کردستان است و آن جا (ترکیه) شمال کردستان.

پ.ک.ک. توانسته است با علم کردن پرچم استقلال کردستان، بهره‌گیری از تبلیغات و شبکه‌های رادیویی و راه‌اندازی شبکه ماهواره‌ای تلویزیونی به نام "ماد" (Mad T.V) (۲) و شعارهای داغ و انقلابی مارکسیستی، نظر بسیاری از جوانان و نوجوانان کرد را در کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه به خود جلب کند، به گونه‌ای که رشک و ناخشنودی برخی گروه‌های کرد را برانگیخته است. (۳) پ.ک.ک حدود ۱۵ سال است که دست به سلاح برده و با هدف "آزادسازی مناطق اشغالی کردستان و تشکیل یک کشور مستقل کرد" با دولت ترکیه می‌جنگد. دولت ترکیه نیز سالانه با هزینه کردن میلیاردها دلار بابت این درگیری نظامی، فشار زیادی را بر اقتصاد خود وارد می‌سازد. ترک‌ها تمایل بسیار دارند که پ.ک.ک با به زمین گذاردن سلاح، مبارزه‌ای سیاسی را در پیش گیرد، آنان از سالها پیش، این هدف را پی‌گیری کرده‌اند و برای رسیدن به آن از یک سو با پ.ک.ک و تا درون خاک عراق به جنگ و گریز می‌پرداختند و از دیگر سو سعی داشتند با واسطه قرار دادن کردهای عراق (طالبانی و بارزانی) اوجالان را وادار به زمین گذاشتن اسلحه نمایند. در نهایت پس از سالها تلاش و پی‌گیری همه جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی برآند تا، اولاً پ.ک.ک را گروهی تروریستی نزد افکار عمومی جهانیان معرفی کنند، در ثانی به تدریج کردهای ترکیه را از فاز نظامی به فاز سیاسی بکشانند. (۴) نقطه عطف تکوین روند فوق دستگیری رهبر و بنیانگذار پ.ک.ک یعنی عبدالله اوجالان در اواخر بهمن ۱۳۷۷ بود.

ب - بروز ناآرامیها در داخل ایران

بازداشت و انتقال اوجالان به ترکیه، بازتاب نسبتاً گسترده‌ای در مناطق کردنشین ایران
برجای نهاد.

پخش اخبار مربوط به این واقعه و واکنش شدید طرفداران و هواداران پ.ک.ک در حمایت از "آپو" ^۱ و متقابلاً واکنش خشونت‌آمیز پلیس کشورهای اروپایی در برابر آنان از یک سو و فعالیت سازمان‌یافته پ.ک.ک در برخی شهرهای کردستان و آذربایجان غربی از سوی دیگر، موجب تحریک احساسات و افکار عمومی مردم این مناطق در حمایت از اوجالان شد. در برخی شهرهای کردنشین به دلایلی که شرح آن خواهد آمد، رفته رفته اوضاع به گونه‌ای شد که این ابراز همدردی و همدلی خاموش و انفرادی ساکن، به حرکتی جمعی و احساسی و در مراحل بعدی به اغتشاشی اجتماعی - سیاسی و در نهایت به یک بحران امنیتی بدل گردید.

از ۲۸ بهمن تا اول اسفند ۱۳۷۷ با انتشار اخبار مربوط به این واقعه، در اغلب شهرهای کردنشین آذربایجان غربی و کردستان که کانالها و دسترسی بیشتری به این اخبار وجود داشت، ابراز احساسات به حمایت از اوجالان در قالب تجمعات پراکنده و بدون سازماندهی شکل گرفت. با توجه به این که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز این آدم‌ربایی را محکوم ساخته بود، در این شهرها درخواستهای متعدد عناصر سیاسی و روشنفکری مبنی بر انجام دادن راهپیمایی و اعلام محکومیت بازداشت رهبر پ.ک.ک به فرمانداریه‌ها و استانداریه‌ها می‌رسید که ظرف روزهای آخر بهمن و اول اسفند، اغلب تجمعات بدون ایجاد بحران و حادثه‌ای خاص و حداکثر با سردادن برخی شعارهای انحرافی و افراطی، برگزار گردید.

تدریجاً این تجمعات از شکل محدود خارج شد و از بین خواص به میان عوام راه یافت. راهپیمایی‌هایی به صورت غیرقانونی و بدون مجوز برگزار گردید که در مواردی شعارهای داده شده از طرف محکومیت بازداشت اوجالان فراتر می‌رفت. در شهرهای ارومیه، مهاباد، بوکان، سقز، بانه، مریوان، سنندج، دیواندره و کامیاران چنین اتفاقاتی رخ داد. آن چه بر شدت احساسات می‌افزود و عواطف را بیشتر برمی‌انگیخت، نه اصل اخبار مربوط به بازداشت اوجالان، بلکه انعکاس واکنش شدید هواداران او و پخش صحنه‌هایی مانند خودسوزی اعضای پ.ک.ک مقابل سفارتخانه‌های ترکیه در کشورهای اروپایی و زد و خورد و مصدمیت آنان به دست نیروهای پلیس بود.

با گسترش تعداد تجمعات قانونی و غیرقانونی، ترکیب جمعیتی شرکت‌کنندگان نیز تغییر یافت و عمدتاً جوانان پرشور که بعضاً شناخت درستی هم از اصل ماجرا نداشتند، در راهپیماییها شرکت می‌جستند.

۱- لقب اوجالان در گویش کردی بادینی به معنای عمو است.

این تجمعات ابتدا در شهرهای ارومیه و مهاباد انجام شد و سپس در بعضی از شهرهای دیگر دو استان کردستان و آذربایجان غربی نیز مواردی رخ داد. تقارن این واقعه با ایام تبلیغات انتخابات شوراها نیز موجب بهره‌برداری غیرمسئولانه برخی نامزدها و جناحهای سیاسی از این مسأله برای جلب نظر عامه مردم و کسب آرای آنها داشت، که در نهایت به تشدید احساس موافقان انجامید. (۵)

ابتدا تجمع کردهای مقیم ارومیه در مقابل کنسولگری ترکیه به تدریج از حالت عادی خارج شد و با حمله ناگهانی عده‌ای به داخل کنسولگری و بی‌توجهی آنان به اخطارهای پیاپی نیروی انتظامی، درگیریهای خشونت‌آمیزی رخ داد. برخی جوانان قصد گسترش ناآرامی و حمله به سایر مراکز را داشتند که با اقدام بازدارنده نیروهای انتظامی مواجه شدند. (۶) به دنبال درگیری ارومیه و پخش اخبار متناقضی در مورد آن، سایر شهرهای کردنشین نیز حالتی مشابه به خود گرفت. شعارهای معدودی از شرکت‌کنندگان در حمایت از اوجالان و حمله به ترکیه و اسرائیل، به شعارهای افراطی و قوم‌گرایانه تبدیل شد. اما در کل حملات متوجه ارکان نظام نبود. در شهر سنندج نیز ابتدا راهپیمایی کوچکی در ۲۹ / ۱۱ / ۷۷ در دانشگاه کردستان و بدون اخذ مجوز برپا گردید که البته در آن، مسأله خاصی روی نداد.

اما شایعاتی در همان روز و روز بعد مبنی بر انجام گرفتن راهپیمایی بزرگی در روز دوشنبه ۳ / ۱۲ / ۷۸ در سطح شهر منتشر شد. با توجه به مراجعه نکردن هیچ فرد یا گروهی جهت درخواست مجوز راهپیمایی از مراکز قانونی، استانداری به نمایندگی از شورای تأمین استان برگزاری هرگونه مراسمی در این روز غیرقانونی و ممنوع اعلام کرد. (۷) با این همه، تجمعات پراکنده‌ای از صبح سوم اسفندماه در نقاط مختلف شهر به چشم می‌خورد. که با گذشت زمان بیشتر شده و سرانجام به بروز درگیری با نیروهای انتظامی منجر گردید. این راهپیمایی غیرقانونی البته صدماتی را برای اموال عمومی به دنبال داشت که نسبت به موارد قبلی چشمگیرتر می‌نمود. (۸)

ج - علل بروز ناآرامیها

غیر از این دو ناآرامی، در شهرهای ارومیه و سنندج و در برخی شهرهای دیگر کردستان و آذربایجان غربی نیز درگیریهای مختصری حین تجمعات بدون مجوز رخ داد که بدون داشتن تلفات جانی به پایان رسید. زمینه‌ها و علل پیدایش این ناآرامیها عبارتند از:

۱- عامل بین‌المللی

دهه پایانی قرن بیستم، دهه طرح مجدد مسأله قومیتها در سطح جهانی است؛ زمانی که گفتمان خودمختاری اقلیتها، بعدی بین‌المللی یافت. شگفت این که به لحاظ طرح مسأله قومیتها، آغاز و پایان قرن بیستم یکسانی و مشابهتی کامل دارند و در هر دو برهه، مسأله قومیتها کانون مهم بحران و ستیز در نقاط مختلفی از ممالک پیشرفته تا توسعه‌نیافته بوده است. البته سراسر قرن بیستم، امکان بروز بحران را داشت؛ اما در میانه این قرن، تنها پدیده جنگ سرد میان دو بلوک شرق و غرب بود که توانست امری فوری‌تر را جایگزین ستیزه‌های قومی سازد و ملاحظه شد که بلافاصله پس از پایان جنگ سرد، ستیز قومی نقش بحران‌آفرین خود را در هر جا از اروپا گرفته تا آسیا و آفریقا بار دیگر آشکار ساخت. (۹)

با فروپاشی ممالک کثیرالقوم یا کثیرالملله‌ای چون شوروی (سابق)، یوگسلاوی و چکسلواکی، واحدهای ملی جدید بر مبنای تقسیمات و مرزبندیهای قومی پدید آمدند. بازتاب این تحولات در سایه گسترش وسایل ارتباط جمعی به سرعت جهان را درنوردید و امری نبود که نزد اقلیت‌های قومی خاورمیانه و به ویژه کردهای ترکیه و عراق که دچار تبعیضهای مضاعف قومی - زبانی بودند، معقول بماند.

این شرایط مساعد بین‌المللی، فضای ذهنی و روانی کردهای عراق و ترکیه را برای استیفای حقوق خود مهیا می‌ساخت. (۱۰) جنبش خودمختاری کردی همچنین پشتیبانی افکار عمومی و به تبع آن حمایت برخی دولتها، مراکز حقوق بشر دولتی و غیردولتی بین‌المللی، رسانه‌های گروهی و سازمانهای غیردولتی را در سطحی وسیع به همراه داشت؛ از این رو ظرف مدتی کوتاه، مسأله کردها در خاورمیانه به مسأله‌ای فرامنطقه‌ای بدل گردید. وقوع حمله عراق به کویت و تهاجم بعدی قوای متحدین به رهبری آمریکا به عراق نیز در مهم‌تر تلقی شدن موضوع، تأثیر به‌سزایی داشت. در گذشته نسل‌کشی کردها و بمباران وسیع شهرها و روستاهای کردنشین عراق به دست دولت مرکزی این کشور که - اوج آن در واقعه بمباران شیمیایی حلبچه در اسفند ۱۳۶۶ رخ داد - از دید غربیان به دلیل همراهی عراق با سیاستهای ضدایرانی بلوک غرب عمدا یا سهوا پنهان می‌ماند. سیاستهای تبعیض‌آمیز دولت غرب‌گرای ترکیه در نفی

هویت و موجودیت کردها نیز به خاطر ملاحظات امنیتی و جایگاه استراتژیک ترکیه برای غرب و در تقویت جناح جنوبی ناتو جهت مهار شوروی با غمض عین آنان مواجه می‌شد. (۱۱)

اما در آغاز دهه ۹۰، ترکیه جایگاه سابق خود را به دلیل فروپاشی شوروی از دست داد و عراق و ایران می‌بایست در چهارچوب "آیین مهاردوگانه" ^۱ همزمان و توأمان تضعیف می‌شدند. چشم اسفندیار ^۲ هر سه کشور نیز مسأله کردها بود. بدین ترتیب غرب با حمایت از طرح تجزیه عراق و تشکیل دولت خود خوانده کردی و حمایت غیرمستقیم مادی و معنوی از گروه‌های کرد می‌توانست هم اهرم فشاری بر ترکیه و عراق باشد هم زنگ خطر و تهدید برای ایران.

در چنین شرایطی تب احساسات ملی‌گرایی قومی میان کردهای ترکیه و عراق بالا گرفت. در سال ۱۹۹۵ پارلمان کردی در اروپا تشکیل شد. گروه‌های کردی مانند پ.ک.ک، اتحادیه میهنی کردستان عراق، پارتی دموکرات کردستان عراق و سایر گروه‌ها دفاتر فعالی در اغلب کشورهای مهم اروپایی و آمریکایی داشتند. چندین مؤسسه تحقیقی کردی در اروپا راه‌اندازی شد. همچنین تلاش می‌گردید مناطق کردنشین ایران نیز به این عرصه کشیده شوند. آمریکا و اسرائیل جنجال تبلیغی بی‌سابقه‌ای به ویژه پس از ترور تنی چند از رهبران گروه‌های کرد مخالف ایرانی در "میکونوس" به سال ۱۹۹۷ بر ضد ایران صورت دادند. این مسأله علاوه بر این که سیاست کلی تحت فشار قرار دادن و انزوای ایران و قطع یا کاهش روابط این کشور با اروپا را دنبال می‌کرد، می‌تواند بهانه و تبلیغی برای تحریک کردهای ایرانی بر ضد دولت مرکزی نیز تلقی گردد.

البته این سیاست هیچ‌گاه در ایران قرین توفیق نبوده است؛ زیرا کردها در هر جا که باشند ایرانی تبارند و پیوستگی نژادی و قومی تنگاتنگی با ایران دارند. زبان کردی نیز همین رابطه را با زبان و ادب فارسی دارد، بعلاوه وضعیت نامناسب رفاهی و حقوق اجتماعی و سیاسی کردهای ترکیه و عراق و سوریه، به هیچ وجه با وضعیت کردهای ایرانی قابل مقایسه نیست، هرچند نمی‌توان نارساییها و کاستیها را در این زمینه کتمان کرد. به همین خاطر جنبش قوم‌گرایی و تجزیه‌طلبی هیچ‌گاه - حتی در شرایط ضعف دولت مرکزی - در میان عامه کردهای ایرانی جایگاهی نداشته و عمدتاً به طیفی از روشنفکران و گروه‌های کوچک تجزیه‌طلب افراطی فاقد پایگاه اجتماعی وسیع و نیرومند، محدود مانده است.

۱. Dual containment

۲- پاشنه آشیل (ویراستار)

به هر حال در چنین شرایطی که مسأله کردها عموماً مورد توجه بود، رویدادی ویژه یعنی ربودن و دستگیری رهبر کردهای ترکیه موجب توجه و حساسیت بیش از پیش نسبت به این موضوع شد؛ به گونه‌ای که ظرف روزهای پایانی بهمن ۱۳۷۷ در صدر مهمترین اخبار تلکس خبرگزاریها، شبکه‌های ماهواره‌ای بین‌المللی و رادیو و تلویزیونهای منطقه‌ای و ملی قرار گرفت. ابراز انزجار و تأثر افکار عمومی و انعکاس وسیع آن، که با جلوه‌های ویژه‌ای همراه بود، خواهی نخواهی در ایران، به ویژه شهرهای کردنشین کشور نیز تأثیرات احساسی و هیجانی خود را برجای نهاد و زمینه‌ساز بروز ناآرامیها گردید.

۲- عامل منطقه‌ای

تقویت جنبش پان‌کردی در منطقه را باید عامل مؤثر منطقه‌ای قلمداد کرد. بعد از شکست عراق از قوای متحدین به رهبری آمریکا در جنگ نفت و اعلام مناطق شمال عراق (بالای مدار ۳۸ درجه) به منزله منطقه امن، در سال ۱۹۹۱، رهبران گروههای کرد عراقی تشکیل حکومت حریم یا دولت خودخوانده کردی را با حمایت غرب اعلام کردند. منطقه حکومت حریم، استانهای کردنشین شمال عراق یعنی دهوک، سلیمانیه و اربیل را دربرمی‌گیرد. این حکومت علی‌رغم فرازونشیبها و اختلافات داخلی، با پشتوانه غرب همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. هر چند دولت خودخوانده کردی به لحاظ سیاسی عملکرد مثبت و رضایت‌بخشی برای کردها نداشته است؛ (۱۲) اما در بعد فرهنگی و از لحاظ ترویج و انتشار گرایشهای قوم‌گرایانه، تأثیرات خود را بر جای نهاده است. از جمله فعالیتهای پان‌کردی می‌توان از انتشار کتابهای قوم‌گرایانه و ارسال آنها به داخل ایران، فعال کردن شبکه‌های رادیو و تلویزیونی با برنامه‌های جهت‌دار - که در بخشهایی از ایران قابل دریافت است - و افزایش ارتباطات سیاسی - فرهنگی کردهای دو سوی مرز را نام برد. همچنین باید به گسترش روابط و همکاری گروههای کرد تجزیه‌طلب ایران، ترکیه و عراق اشاره کرد.

هر چند در مواردی میان این گروهها اختلافات جدی وجود دارد، اما پیدایش دولت کردی و ضعف حاکمیت عراق در این منطقه، باعث سهولت و آزادی عمل همه این

گروهها شده است. به گونه‌ای که اغلب این گروهها، مرکزیت ستادی، مقرهای عملیاتی و ایستگاههای رادیویی و مراکز انتشاراتی خود را در شمال عراق مستقر کرده‌اند. تشکیل دولت حریم در ابتدا این ایده را در ذهن قوم‌گرایان افراطی کرد همه کشورها به وجود آورد که زمینه پیدایش یک دولت مستقل کرد، فراهم آمده و این خود مقدمه تشکیل کردستان بزرگ خواهد بود.

اگر چه عملکرد ناموفق رهبران کرد عراقی و ایجاد اختلافات و درگیریهای خونین میان احزاب پارتی و اتحادیه میهنی و حرکت اسلامی، بسیاری از کردها را نومید و دلزده کرد؛ (۱۳) اما به هر حال موجی از گرایش قوم‌گرایانه در مناطقی از جمله ایران را دامن زده است. به ویژه گروه پ.ک.ک که از همان ابتدا ایده تشکیل کردستان بزرگ را در مرامنامه خود گنجانده و از توان سازماندهی و فکری بالایی در جهت القای این تفکر برخوردار بود، از ضعف حاکمیت عراق بر این مناطق بهره زیادی برد. در طول این سالها، دولت حریم جولانگاه نیروهای پ.ک.ک بود که علاوه بر استفاده عملیاتی و نظامی بر ضد ارتش ترکیه، به تبلیغ دیدگاههای افراطی خود و نشر و بسط آن در میان کردهای عراقی و حتی ایرانی دست می‌زدند. انجام گرفتن این مهم با توجه به تعداد فزاینده رسانه‌ها، افزایش ارتباطات و جابه‌جایی جمعیتی ناشی از مهاجرتها و ورود آوارگان و پناهجویان کرد به ایران به سهولت قابل درک و پیش‌بینی بود.

۳- عوامل داخلی

۳-۱- شیوه‌های تبلیغی نامناسب رسانه‌های داخلی

چنان که گفته شد، دستگیری و انتقال اوجالان به ترکیه در کشورمان، به ویژه در مناطق کردنشین بازتابی گسترده داشت. ارتباط گسترده سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این مناطق با کردهای دیگر کشورها و سهولت دریافت امواج رادیویی تلویزیونی و ماهواره‌ای در این مناطق، موجب آگاهی سریع از این رویداد شد. اما مهمترین منبع خبری آنها همانند دیگر هموطنان، رسانه‌های گروهی داخلی بود. اخبار مربوط به اوجالان به گونه‌ای منعکس می‌گردید که حکایت از مظلومیت او و کردها و بر حق بودن آرمان و شیوه مبارزاتی رهبری داشت که سالهای سال مبارزه کرده و در پایان، گرفتار توطئه‌ای بین‌المللی شده است. اوجالان را آمریکا و اسرائیل و همدستان و متحدان آنها ربوده بودند که دشمنان ملت ما نیز محسوب می‌شدند. بنابراین فرصت مناسب تشخیص داده شد تا با حربه تبلیغی غرب بر ضد نظام یعنی تروریسم دولتی به مصاف آنان رفته و علاوه بر بعد خارجی به لحاظ داخلی نیز احساسات توده‌های مردم

به ویژه هموطنان کرد در برابر اسرائیل و آمریکا و متحدان منطقه‌ای آنها را برانگیخته و هدایت افکار عمومی کرده‌ای سایر کشورها را نیز به عهده گرفت.

با این برداشت، رسانه‌های گروهی کشورمان به شکلی بی‌سابقه به پوشش خبری این رویداد پرداختند. اخبار مربوط به دستگیری اوجالان و پیامدهای آن از جمله اعتراض خشونت‌آمیز هواداران "آپو" در کشورهای مختلف و حمله پلیس به آنان در صدر اخبار رادیو و تلویزیون و اکثر روزنامه‌ها قرار داشت. اما منبع خبری همه این رسانه‌ها، شبکه‌های خبرپراکنی غربی بود و کمتر، خبر تولیدی و مستقلی در جراید و رادیو و تلویزیون به مخاطبان ارایه گردید. بدین ترتیب عرصه اطلاع‌رسانی کشور، گرفتار موج خبری غولهای رسانه‌ای غربی شد و بدین‌سان فضا سازی مدنظر دیگران در داخل پدید آمد.

ظرف روزهای آخر بهمن ۷۷، پخش مکرر صحنه‌های احساسی و رقت‌انگیزی مانند خودسوزی هواداران پ.ک.ک به حمایت از سرکرده خود، راهپیمایی حمله به نمایندگیهای سیاسی ترکیه و اسرائیل در کشورهای مختلف و نیز انتقال اوجالان با چشمهای بسته به ترکیه، نخست موجب مطرح و شناسانده شدن هر چه بیشتر پ.ک.ک و رهبر آن داخل گشت، دو دیگر این گروه را مظلومیتی مضاعف بخشید و سه دیگر خودبه‌خود به کسانی که نسبت به او همدردی داشتند و با دیدن این صحنه‌ها به شدت برافروخته شده بودند آموخت تا به همین شکل به خیابانها بریزند و آشوب به پا کنند. شرکت‌کنندگان و دستگیرشدگان در تظاهرات و اغتشاشهای خیابانی شهرهای ارومیه، سنندج و دیواندره، اغلب نوجوانان و جوانانی بودند که تا قبل از این رویداد عمدتاً حتی نام اوجالان و پ.ک.ک را نشنیده بودند و با دیدن و شنیدن آن چه از تلویزیون و رادیو و مطبوعات پخش شد، دچار هیجان شده و اغتشاش آفریدند.

(۱۴)

در همین حال رسانه‌های ملی که ظرف سه روز آخر بهمن به طور گسترده‌ای اخبار خارجی مربوط به بازداشت اوجالان را پخش کرده بود، با ملاحظه علایم اولیه اعتراض و احتمال ایجاد حرکت‌های خشونت‌آمیز در داخل به یکباره حجم این پوشش خبری را کاهش داد و در انعکاس راهپیماییهای مردم شهرهای کردنشین در حمایت رهبر پ.ک.ک نیز از خود کاستی نشان داد که این امر نیز خود در تحریک مردم نمی‌توانست بی‌تأثیر باشد. در حالی که بایست جهت اطلاع‌رسانی از همان ابتدا، اعلام همبستگی و

همراهی با مردم کرد و نه پ.ک.ک و اوجالان باشد. ضمن این که هشدارهای لازم به هم‌وطنان کرد مبنی بر جلوگیری از سوءاستفاده عناصر فرصت‌طلب ضروری می‌بود ولی به این نکته هم بی‌توجهی شد که [مسأله اوجالان] می‌تواند عاملی در دست اغتشاشگران تلقی شود.

نکته جالب این که اغلب رسانه‌ها بیشتر به انعکاس خبری این رویداد، آن هم اخبار هدایت شده تولیدی شبکه‌های خبرپراکنی بیگانه پرداختند و کمتر به تحلیل و تفسیر موضوع عنایت داشتند؛ به گونه‌ای که کمتر کسی از اصل واقعه و سوابق آن مطلع و آگاه گردید. بدین‌سان گروه پ.ک.ک، در حد یک جنبش رهایی‌بخش و مردم‌گرا معرفی شد و اوجالان که با شیوه‌ای استالینستی گروه خود را هدایت می‌کرد در اذهان عمومی، رهبری مردمی و آزادیخواه معرفی شد. (۱۵) به طور کلی عملکرد اغلب رسانه‌ها در این واقعه نشان داد که نظام اطلاع‌رسانی کشور چنین مسایل حساسی را در متن مرتبط آسیب‌پذیرها و تهدیدات امنیتی کشور نمی‌نگرند و نگاهی مجرد و صرفاً از زاویه خبررسانی به آنها دارد. به این مورد باید، دید بخشی‌نگر و جناح‌گرایانه برخی جراید را نیز اضافه کرد که در موضع انتقاد از دولت به جای اطلاع‌رسانی صحیح و در نظر گرفتن جهات مرتبط با امنیت ملی، با اغراق‌گویی و انتقاد از مدیریت بحران و سازمانهای مقابله‌کننده با بحران، به دامنه آن افزودند. (۱۶)

۲-۳- تشدید فعالیت مخفی پ.ک.ک

پیشتر به ادعای رسمی پ.ک.ک مبنی بر تلاش برای ایجاد کردستان بزرگ اشاره شد. حزب کارگران کرد، تشکیل کردستان بزرگ را نه به منزله آرمان و شعار بلکه همواره در حکم راهبردی برای گسترش، نفوذ و تقویت نیروی خود پی گرفته است. اصولاً این گروه حرفه‌ای سیاسی، حتی اگر توان تحقق این شعار در درازمدت را هم نداشت، نمی‌توانست از مزایایی که اعلام چنین شعاری برایش در داخل و خارج ترکیه فراهم می‌آورد، صرف‌نظر کند؛ زیرا با توجه به شدت عمل دولت مرکزی ترکیه، آنان ناچار از جستجوی پایگاهی مطمئن در مرز و خاک کشورهای همسایه بودند. در حالی که سیاست کشوری مانند ایران، عدم همکاری با این گروه علی‌رغم همکاری ضمنی ترکها با مخالفان جمهوری اسلامی بود. بنابراین، پ.ک.ک با چنین شعاری که برای روشنفکران و نخبگان و نیز برای عوام مردم کرد چه در عراق، ایران و ترکیه جاذبه داشت، هم می‌توانست در مرزهای مجاور ترکیه مأمنی داشته باشد و هم از این حربه در حکم ابزار فشار بر ضد دولتهای همسایه ترکیه برای گرفتن امتیاز بهره گیرد؛

ضمن این که با این شعار، گروههای کرد ایرانی و عراقی نیز تحت شعاع پ.ک.ک قرار می‌گرفتند. بدین ترتیب این حزب از اوایل دهه ۱۳۷۰ به تدریج و به صورت سازمان‌یافته فعالیتهای سیاسی و تبلیغی خود را در برخی از مناطق کردنشین ایران به ویژه شهرهای جنوبی آذربایجان غربی آغاز کرد.

بوی سیاسی به خود گرفت و تدریجا یک حرکت غیرسیاسی به تظاهرات سیاسی و در
وهله آخر به اغتشاش و بحران بدل گردید.

البته نمی‌توان ویژگیهای خاص این مناطق مانند ارتباط با خارج، وجود سوابق و لایه‌های گرایشهای قومی واگرایانه در میان روشنفکران، پیشینه حرکت‌های تجزیه‌طلبانه، حضور انبوه عناصر تسلیمی گروهکی، زندانیان آزاد شده و غیره را منکر شد. با این حال این آشوبها نیز همانند سایر موارد مشابه در ابتدا حرکتی کوچک و کور بود که انگیزه مخالفت سازمان‌یافته و هدایت شده، پشت‌سر آن وجود نداشت، اما به تدریج چنین بستری تا حدودی فراهم آمد و در جهت ایجاد اغتشاش سوق یافت.

درباره تأثیرگذاری عوامل خارجی باید گفت که هر چند عناصر مرتبط با پ.ک.ک. در جهت گستراندن ابعاد بحران تحرکاتی داشتند - و بدین لحاظ باید با حساسیت فراوان مانع از ادامه این روند و آسیب‌پذیری هر چه بیشتر نظام شد - اما نقش این عامل به تنهایی تعیین‌کننده نبوده و باید مؤلفه‌های داخلی را نیز در کنار آن لحاظ کرد.

نکته اصلی در تحلیل حوادث مذکور این است که چرا به خاطر مسأله‌ای برون مرزی یعنی دستگیری اوجالان به دست نیروهای ترکیه که به هیچ وجه ارتباطی با ایران نداشت، در داخل کشور ما نیز حوادثی خشونت‌بار - و لو اندک و در گستره‌ای محدود - ایجاد شود. این در حالی است که رویدادهای مربوط به گروههای کرد ایرانی مخالف جمهوری اسلامی و حتی ترور برخی رهبران آن در اروپا طی سالهای گذشته، موجب واکنش و حساسیت کردهای ایرانی نشده است.

در پاسخ گفت گذشته از نقش مهم عوامل بین‌الملل و منطقه‌ای - به شرحی که آمد - نقش دو عامل زیر نیز مهم بوده است:

۱) تحولات ساختاری در جامعه کردی؛ جوانی جمعیت این مناطق، تحرک اجتماعی عمودی و افقی جمعیت، وجود مشکلات جدی اقتصادی به ویژه بیکاری، کم‌رنگ شدن نقش و نفوذ طبقات سنتی مانند روحانیت، اقطاب درویشان و از جمله ویژگیهای جامعه کرد به شمار می‌روند و همین عوامل به نوعی در ایجاد یا تداوم این آشوبها تأثیرگذار بوده‌اند.

۲) عامل دوم را باید در نظام تصمیم‌گیری برای مقابله با آشوبهای احتمالی جستجو کرد. برای رسیدن به یک راه‌حل مناسب رفع نارساییهایی مانند: ضعف بدنه کارشناسی اغلب مراکز تصمیم‌گیری، فقدان بانک اطلاعاتی مکانیزه و روزآمد، جابه‌جایی مکرر در پستهای کارشناسی و تصمیم‌گیری - که ناشی از مدیریت نیروهای غیربومی و اقامت مقطعی کارشناسان و مدیران در این مناطق است - عدم ارزیابی اطلاعات لازم به محققان و پژوهشگران، سیاستگذاریهای شتابزده و بی‌توجهی به تبعات درازمدت برخی اقدامات و سرانجام اعما ملاحظات جناحی و ترجیح آنها بر مصالح ملی، کاملاً ضروری است. تنها در صورت انجام تلاش جدی برای رفع نقایص فوق است که می‌توان به هنگام وقوع رخدادهای احتمالی آتی به شکل صحیح ناآرامیها را مهار نمود.

یادداشتها

- (۱) لوپوئن، ۲۰ فوریه ۱۹۹۹، به نقل از: نشاط، ۷۷/۱۲/۲۰.
- (۲) مصاحبه با یکی از محققان و صاحب نظران مسایل کردی (سنندج، فروردین ۷۲)
- (۳) سخنان رهبر حزب غیرقانونی اعلام شده دموکرات کردستان در رادیو حزب، ۷۷/۱۲/۵.
- (۴) اشپیگل، ۲۲ فوریه ۱۹۹۹، به نقل از: ترجمان سیاسی، ش ۱۴ (۷۷/۱۲/۱۲)، ص ۲۱.
- (۵) مصاحبه با یکی از مسئولان سیاسی امنیتی مناطق کردنشین (نام محفوظ) فرودین ۷۸.
- (۶) همان.
- (۷) مصاحبه استاندار کردستان با صبح امروز ۷۸/۱۲/۲۷.
- (۸) همان.
- (۹) دکتر حمید احمدی در میزگرد علمی بررسی مسایل قومیتها، دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور، شهریور ۱۳۷۸.
- (۱۰) لوموند، ۲۷ فوریه ۱۹۹۹، به نقل از: ترجمان، ش ۱۵ (۷۷/۱۲/۲۵) ص ۲۵.
- (۱۱) همان.

(۱۲) ابلااس، ادگار، جنبش کردها، اسماعیل فتاح، تهران، نگاه، ۱۳۷۷.

(۱۳) همان.

(۱۴) مصاحبه نویسنده با یکی از مسؤولان سیاسی - امنیتی مناطق کردنشین (نام محفوظ)، فروردین ۱۳۷۸.

(۱۵) مصاحبه با یکی از صاحب‌نظران مسایل کردی و علوم ارتباطات (نام محفوظ)، اسفند ۱۳۷۷.

(۱۶) بنگرید به تیترها و اخبار مندرج در هفته‌نامه سیاست و روزنامه‌های کیهان و رسالت هفته دوم اسفند ۱۳۷۷ در مورد رویدادهای مناطق کردنشین.

(۱۷) مصاحبه استاندار کردستان با صبح امروز، ۲۷/۱۲/۷۷.

